

میوه خریدن جناب حافظ

مبین به سیب زنخدان که چاه در راه است
کجا همی روی ای دل بدین شتاب کجا
بشد که یاد خوشش باد روزگار وصال
خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا؟
قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست
قرار چیست صبوری کدام و خواب کجا؟

گویا جناب حافظ از جلو میوه فروشی رد می شده و چشمش افتاده به سیب زمینی و بهو متوجه قیمت شده و با خودش گفته دیگه خریدن سیب زمینی هم مثل افتادن توی چاهه و نتیجه ش بی پول شدن و سریع دور بشم بهتره! در مصرع دوم معلومه که میوه فروش محل خواجه رو دیده که سریع داره دور می شه، بانگ زده: استاد کجا می ری به این سرعت؟! در بیت بعدی جناب لسان الغیب خونه رسیده و ابتدا با خودش می گه دیدی این هم گرون شد! و در ادامه از گذشته یاد می کنه و می گه یادش به خیر سیب زمینی می خریدیم! چه روزگار خوشی بود! ته دیگ سیب زمینی سر سفره برامون چه ناز و کرشمه ای می اومد! سیب زمینیایی که مامان سرخ می کرد و به خاطر یواشکی خوردنش با ماد عوا و عتاب می کرد، دیگه مگه توی خواب ببینیم! در بیت بعدی منظور از دوست، مسئولان کشوره که شاعر در جوابشون که گفتن کمی صبر کنین قیمت سیب زمینی رو کنترل می کنیم، فرموده: دیگه صبر و قراری نمونده! خواب و خوراکی نمونده! چطور می صبر کنیم!؟



در حاشیه مسائل اخلاقی این روزهای ورزشگاهها و راهکار جریمه ای فدراسیون

برویج فدراسیون فوتبال ایران

تاج: آقاما که هنوز با استقلال بازی نکردیم، این پیش جریمه بازی چیه دیگه؟

تاج: فکر کردی ماحالی مون نیست؟ از الان دارین برای بازی بیانیه می دین، حتما اون روز هم شلوغ می کنین دیگه!

استقلال: باباخب ۲۰۰ میلیون زوره دیگه!

استقلال: چی؟ شما ۲۰۰ تومن جریمه شدین؟ ما پس چرا ۲۰۰ تومن جریمه شدیم؟!

احمدی: عه؟ فکر کردی ما حواسمون نیست که رفتن مرحله بعد آسیا و پول بیشتری گیرین از ای اف سی؟ پس عدالت کجارفته؟

احمدی: بابا من چرا جریمه شدم؟ من کی رو تحریک کردم؟

زاکور: ببین، من با جریمه کردن تو که موافقم، هی داد می زنی گل! هوادار جوگیر می شه، حق داره صدلی بشکونه دیگه.

سپاهان: بابا من گزارش کردم، باید داد بزمن بعد از گل!

سپاهان: نه خیر، دیگه دربی های قبل هم برای گلای پرسپولیس یک طرفه داد زد، اعتبار ملی بودن صدا و سیما رفته، باید جریمه بشی.

سپاهان: آقامن چی کار کنم که استقلال گل زده؟

سپاهان: بیا، دیدی برای گل زدن استقلال توی دربی داره گریه می کنه؟ دوباره جریمه ش کن.

سپاهان: خداااا یااا!

سپاهان: فکر خوبیه، اما به جاش سپاهان رو جریمه می کنیم.

سپاهان: آقاما دیگه چرا؟

کاشانیان: نمی دونم، دیدم شما پول دارین، این هفته جریمه نشدین، گفتم یه پولی هم از شما بگیرم دیگه.

کاشانیان: تاج نامرد تو که داری این قدر خوب درمی آری، می داشتی منم پیام فدراسیون، چی می شد؟

کاشانیان: برو بابا، زمان توبه خاطر دعوا، هوادار رو محروم می کردی، پول نداشت، عمر با دلم بیای، با همین بچه های کمیته انضباطی کارو درمی آریم!

صفحه ۲
۴ اسفند ۱۴۰۳
شماره ۱۳۰

دستم بود، تقصیر آستینم بود

تمشک طلایی جایگزین مدال طلای هفته: رئیس کمیته ملی المپیک پس از بازگشت بدون مدال کاروان ایران از بازی های آسیا گفت: انتظار زیادی از ورزش های زمستانی نداشتیم. با این دست فرمان اگر بعدها تیم شنا هم مدال نگیرد و حتی آخر شود، می گویند انتظار زیادی نداشتیم و همین قدر که غرق نشدند، خودش یک دستاورد بی نظیر است.

شبقت قبلی ترین مقصر هفته: «من نبودم، دستم بود، تقصیر آستینم بود، آستین مال کتم بود، کتم مال بابام بود» بیشتر از اینکه یک شعر کودکانه خالی از منطق باشد، یک سخن عالمانه است. هر مسئولی آمد، گفت مقصر فرد قبلی است. فقط هم در کشور ما نیست. یک توک پا اگر تا آمریکا برود، می بینید ترامپ هم گفته گرانی تخم مرغ تقصیر بایدن است.



ترسناک ترین عدد هفته: اول فقط خیرش را شنیدیم که برق گران شده است، بعد که قبضش آمد، آن را با گوشت و پوست و استخوان و سایر بافت های بدنمان حس کردیم. مبلغ مصرفمان حدود ۳۸۰ هزار تومان بود، ولی با اضافه شدن مالیات بر ارزش افزوده، سوخت نیروگاهی، آبونمان، عوارض و بیمه، ۲۰۰ هزار تومان به قبض اضافه شده بود تا به ۵۸۴ هزار تومان برسد. خلاصه اگر اساتید زمان دانشجویی نمره ۹ پایان ترم ما را ۱۰ نکردند، عوضش شرکت برق ۳۸۰ هزار تومان قبض ما را ۵۸۴ هزار کرد.

«این، اون نیست» ترین سخن هفته: سخنگوی دولت گفت: کالابریگ با کوپن فرق دارد و بازگشت به گذشته نیست. خلاصه در جریان باشید که ناترازی با خاموشی فرق دارد، دهک اول با هشت گروه نه بودن فرق دارد، حباب سکه با گرانی سکه فرق دارد، تعدیل نیرو هم با اخراج نیرو فرق دارد. اگر هم کسی داد و بیدار کرد، جوابش را ندهید، چون جواب ابلهان ناترازی است!

فعال کارگری، عیدی ۳ میلیون بازنشستگان پول ۳ کیلوگرم آجیل است

بر رئیس دولت ما صد درود
عیدی ام واریز شد، اما چه سود؟
اینکه نرخ شش گرم چلغوز نیست!
فحش می دادی شما بهتر نبود؟



ضربه سنگین قطعی برق به صنایع کشور

شبهه جنگجویان می ستیزد
چه مشت محکم و جانانه ای زد!
چنان زد ضربه خاموشی به صنعت
که تا یک سال از جا برنخیزد



شغل پرسود در مراسم تحریم: گریه کن ها نیم میلیون تومان می گیرند

یکی به حال خودش زار زار می گرید
یکی برای همه در مزار می گرید
یکی برای آنکه ندارد به جیب خود پول و
یکی به خاطر پانصد هزار می گرید



ترامپ از تعریف های نخست وزیر ایران ذوق زده شد

گفت: به به چقدر زیبایی
ای سرت چون هویج دریایی!
ذوق کرد او چقدر تا گفتش
گنده لات بزرگ دنیایی

